

موانع و چالش‌های تأثیرگذار در توسعه نیافتگی سیاسی عراق پساصدام

* سعید حق پرست^۱، توحید ولی پور عتیق^۲، رضا نصیری حامد^۳

۱. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۳. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۶ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۵ مهر ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۵ آذر ۱۴۰۲

چکیده

موانع و چالش‌های تأثیرگذار بر پیشروی توسعه سیاسی کشور مسلمان عراق و مقاومت‌هایی که برای حفظ شرایط گذشته شده است عوامل گوناگونی دارد. در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که در فرایند شکل‌گیری توسعه سیاسی در عراق بعد از سرنگونی حزب بعث، چه موانع و چالش‌های تأثیرگذاری نقش دارند؟ پاسخ فرضیه این است که دو دسته عوامل داخلی و خارجی، عوامل اصلی عدم توسعه سیاسی عراق پساصدام هستند. عوامل داخلی جنگ و نزاع داخلی بر سر قدرت و تقویت سیاست مبتنی بر هویت‌های قومی و فرقه‌ای، تنش بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی و عوامل خارجی، ظهور و حضور سازمان‌های تروریستی همچون داعش، حضور نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و مداخله در امور سیاسی کشور در دو دهه اخیر، فرایند توسعه سیاسی پس از فروپاشی حزب بعث را در عراق دچار چالش و گاهی متوقف کرده است. پژوهش حاضر به لحاظ روش، توصیفی تحلیلی است. در نتیجه حرکت در مسیر توسعه سیاسی مطلوب می‌تواند یک دگرگونی اساسی در باور سیاسی افراد و نهادهای این کشور باشد که پیش فرض‌های آن را تغییر در فرهنگ، اقتصاد و جامعه تشکیل می‌دهند. تغییرات در این حوزه‌ها، عاملی برای تغییر در حوزه سیاسی یا تحکیم آن است.

کلیدواژه‌ها:

بحران هویت، تروریسم،
توسعه سیاسی، عراق،
فدرالیسم.

* نویسنده مسئول:

دکتر سعید حق پرست
نشانی:

دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز،
دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
پست الکترونیک:
haghparast.sacid@tabrizu.ac.ir

استناد به این مقاله:

حق پرست، سعید، ولی پور عتیق، توحید، نصیری حامد، رضا (۱۴۰۲). موانع و چالش‌های تأثیرگذار در توسعه نیافتگی سیاسی عراق پساصدام. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۳۵)، ۴۸-۲۵.

۱. مقدمه

عراق کشوری با تنگنای ژئوپلیتیکی^۱، موقعیت ژئواکونومیک^۲ مناسب، تنوع قومی و مذهبی و نیز زیر سلطه حاکمان مستبد در طول تاریخ است. شکاف‌های قومی و مذهبی در کنار شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه فعال‌شدن گسل‌های تاریخی، قومی، مذهبی و قبیله‌ای که به‌دنبال تهاجم نظامی آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ ممکن شد، محیط بسیار مساعدی برای گروه‌های مسلح ستیزه‌جو در تقابل با حکومت مرکزی به‌وجود آورد. ساختار اجتماعی عراق همانند بیشتر کشورهای غرب آسیا، ساختاری موزائیکی و متشکل از گروه‌های قومی فرقه‌ای مختلف است. این ساختار با بافت جمعیتی متنوع و ناهمگون حاصل تلاش‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به‌طور مشخص انگلستان برای تجزیه امپراتوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول و شکل‌دهی به کشورهای جدید با بافت اجتماعی موزائیکی و هویت‌های متضاد بود. سیاست همگون‌سازی مبتنی بر ایدئولوژی پان‌عرب‌یسم، عربی و سنی کردن حکومت و ارتش، نادیده‌انگاری سایر گروه‌ها و گرایش‌های قومی و مذهبی و جلوگیری از ورود آن‌ها به عرصه قدرت سیاسی و توسعه فرهنگی بر پایه شکاف‌های قومی و مذهبی باعث ظهور قوم‌گرایی کردی و شیعه‌گرایی سیاسی شد. این امر شکل‌گیری و تقویت گروه‌های شیعی و کرد مخالف دولت مرکزی و مبارزات مداوم آن‌ها را در پی داشت. متأسفانه روند دموکراسی‌سازی در عراق نشان داد که انتخابات و رویکردهای سیاسی مردم عراق بیش از همه بر پایه مبانی هویتی و قومی سازماندهی می‌شود و سایر نهادهای اجتماعی به اندازه‌ای قدرتمند و فراگیر نیستند که بتوانند فراتر از گروه‌بندی‌های قومی و فرقه‌ای، این شکاف را پوشش دهند.

ساختار سیاسی اقتدارگرا که همواره در این کشورها حاکم بوده، بر رد آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و شکل‌گیری گروه‌ها که هر یک در آموزش و رشد جامعه می‌توانند سهمی داشته باشند اصرار کرده و مانع روند تغییر به‌سوی جامعه چندصدایی شده‌اند. از مهم‌ترین چالش‌های موجود در عراق بعد از خروج اشغالگران، رقابت اقوام و گروه‌های مذهبی در تصاحب کرسی پارلمان و دولت و پست‌های مهم سیاسی است که به یک رقابت جدی و درگیری بین گروه‌ها و طرفدارانشان منجر شده و این گروه‌های ناراضی که اکثریت نیز مسلح هستند هر از گاهی علیه همدیگر دست به عملیات نظامی زده و امنیت شهروندان را با مشکل جدی روبه‌رو می‌کنند.

1. geopolitics
2. Geoeconomics

بررسی چرایی به حاشیه افتادن عراق از روند توسعه سیاسی و همچنین نقش عوامل تأثیرگذار در توسعه نیافتگی سیاسی این کشور پس از سرنگونی حزب بعث هدف اصلی پژوهش حاضر است. می‌کوشیم در جریان این کاوش پاسخی علمی برای این پرسش بیابیم.

۲. پیشینه پژوهش

الموند^۳ و پاول^۴ (۱۳۹۶) در کتاب «سیاست مقایسه‌ای چارچوب نظری» در بیان مفهوم توسعه سیاسی می‌گویند: توسعه سیاسی پاسخی است که سیستم سیاسی به تحولات محیط اجتماعی یا بین‌المللی خود می‌دهد، به‌ویژه پاسخی است در مقابل مبارزه‌جویی‌ها. از نظر آن‌ها هر سیستم سیاسی با چهار مشکل و چالش مواجه بوده است یا مواجه خواهد شد که عبارت‌اند از: حکومت‌سازی، ملت‌سازی، مشارکت و توزیع یا رفاه. دانیل بایمن^۵ در کتاب «القاعده، دولت اسلامی و جنبش جهادی جهانی» (۲۰۱۶) می‌نویسد جنگ علیه ترور که بوش اعلام کرده بود با حمله آمریکا به عراق، ریشه اصلی شکل‌گیری داعش را فراهم کرد. ادعای اصلی بایمن این است که حمله آمریکا به عراق به متلاشی شدن جامعه عراق منجر شد و این کار، فضای مناسبی برای داعش ایجاد کرد تا بتواند بخش سنی جمعیت عراق را که خود را متضرر اصلی سرنگونی رژیم بعث می‌دانستند بسیج کرده و آنان را به انتقام بکشاند. حمله آمریکا به عراق تنها عامل بروز این وضعیت در عراق نیست و باید به شکاف‌های فعال سیاسی، قومی و مذهبی و همچنین تلاش دولت‌های سنی منطقه برای کنترل اوضاع در عراق و روی کار آوردن یک حکومت هم‌سو نیز اشاره کرد.

مارکوس بویلون^۶ در مقاله «اقدام دولت‌سازی عراق: شکنندگی دولت، شکست‌خوردگی دولت و یک قرارداد اجتماعی جدید» (۲۰۱۸) استدلال می‌کند درک وسعت شکنندگی دولت در عراق نیازمند نگاهی تاریخی به دولت‌سازی این کشور است. به نظر او عراق به لحاظ تاریخی دولتی شکننده است، پاسخ و راهکار برای برون‌رفت از این شکنندگی، در دولت‌سازی است. البته این دولت‌سازی نه یک بازسازی سیاسی صرف از بالا که تلاشی از پایین است. این مسیر طولانی دولت‌سازی باید توسط خود عراقی‌ها طی شود. ساموئل هانتینگتون (۱۳۷۰) در

3. Almond

4. Pavel

5. Daniel Bayman

6. Marcus Boylan

رسالة «نظم و ثبات سیاسی و اقتدار دولت و حکومت مرکزی»، مفهوم توسعه سیاسی را براساس میزان صنعتی شدن، تحریک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی ارزیابی کرده و بر این اعتقاد است از آنجایی که در فرایند توسعه سیاسی، تقاضاهای جدید به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کند، نظام سیاسی باید ظرفیت و توانایی‌های لازم را برای تغییر وضعیت داشته باشد، در غیر این صورت، نظام با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی روبه‌رو خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب تجلی کند. لوسین پای^۷ و دیگران (۱۳۸۰) در کتاب «بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی» بر این اعتقاد هستند که توسعه سیاسی نوعی التهاب اجتماعی و مقدمه‌ای برای ایجاد بحران‌های حکومتی است. او توسعه سیاسی را فرایند حل بحران‌های ناشی از تنش و گسیختگی جامعه نوگرا تعریف می‌کند و پنج بحران را پیش روی توسعه سیاسی بر می‌شمارد: بحران هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ. از نظر آن‌ها انباشت یا هم‌زمانی بحران‌های پنجگانه پیش روی توسعه، نظام سیاسی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. او معتقد است اگر جوامع به حل بحران‌های پیش روی خود نیندیشند در خطر سقوط قرار خواهند گرفت. همه دغدغه اهل قدرت باید این باشد که از هم‌زمانی و بدتر از آن، انباشت بحران‌ها جلوگیری کنند.

۳. چارچوب نظری

چگونگی رسیدن به توسعه سیاسی در جوامعی با ساختار قومی و فرقه‌ای نزد نظریه‌پردازان این حوزه مبتنی بر روش‌های گوناگونی است. برخی از این روش‌ها اگرچه سبب توسعه سیاسی این جوامع می‌شوند، اما متضمن ثبات سیاسی و دموکراسی نیستند، بنابراین سه مدل کنترل، تبادل سلطه‌جویانه و دموکراسی مبتنی بر اجماع^۸ یا تقسیم قدرت مطرح است (Ahmadi, 130:1997): الف) مدل کنترل: مدل کنترل اقتدارگرایانه است، اما ثبات سیاسی به همراه می‌آورد و از خشونت تا حدودی زیادی جلوگیری می‌کند. قدرت دولت در دست گروه، فرقه یا قوم خاصی قرار دارد. این مدل را یان لوستیک ارائه کرده است؛ ب) مدل تبادل سلطه‌جویانه: مدل تبادل سلطه‌جویانه برخلاف مدل کنترل، جنبه اقتدارگرایی کمتری دارد. دونالد روتچیلد، ارائه‌دهنده این نظریه است. در این مدل هم توسعه سیاسی و هم دموکراسی نسبی وجود دارد، اما دولت متعلق به فرقه و قوم خاصی نیست. ج) مدل دموکراسی مبتنی بر اجماع یا دموکراسی انجمنی: این رهیافت در

7. Lucien Pye

8. Consociational Democracy

رابطه با جوامع فاقد یک‌دستی مذهبی و زبانی مطرح شده است. براساس دیدگاه نظریه‌پردازان آن، در این جوامع دموکراسی و توسعه سیاسی تنها با اجماع آرا و توافق همگانی همه فرقه‌ها و گروه‌های سیاسی و مذهبی یا به عبارت دیگر، سهیم بودن تمامی فرقه‌های مختلف جامعه سیاسی در قدرت‌گیری امکان‌پذیر است. لیبهارت^۹ از مهم‌ترین نمایندگان این نظریه است. وی دموکراسی مبتنی بر اجماع یا دموکراسی انجمنی را بر پایه چهار اصل عمده می‌داند: ۱. اداره حکومت توسط ائتلاف بزرگ؛ ۲. وجود وتوی متقابل با اکثریت متقارن؛ ۳. سهمیه‌بندی به‌عنوان اصل اساسی نمایندگی سیاسی؛ ۴. درجه بالایی از خودمختاری در هر فرقه برای اداره امور داخلی خود.

از آنجایی که کشور عراق پس از سرنگونی حزب بعث و سقوط صدام حسین، از نظر سیاسی با فراز و فرودهای زیادی مواجه بوده است و تعدد قومی و مذهبی سبب ایجاد اختلافات متضاد سیاسی و اجتماعی بر سر تصاحب قدرت شده بود و وجود عوامل خارجی دخیل در ساختار سیاسی، همچون حضور نیروهای ائتلاف به سرکردگی آمریکا و ظهور تروریسم داعش، همراه با جنگ و نزاع داخلی از موانع شکل‌گیری توسعه سیاسی و دموکراسی در عراق پسا صدام شد. با وجود چنین ساختاری، مدل دموکراسی انجمنی مبتنی بر «رهیافت تقسیم قدرت» را که مورد اجماع و نظر نخبگان سیاسی این کشور قرار گرفت نزدیک‌ترین مدل و نظریه به موضوع این پژوهش دیدیم. تحقق صحیح این مدل یعنی اجرای دموکراسی انجمنی مبتنی بر تقسیم قدرت سیاسی با در نظر گرفتن گردش نخبگان می‌تواند وضعیت توسعه سیاسی را در کشور عراق تا حد زیادی بهبود ببخشد، هر چند راضی نگه‌داشتن همه فرقه‌ها و گروه‌های سیاسی و مذهبی در چنین ساختار ناهمگونی بسیار سخت و دشوار است، اما غیر ممکن نیست. علل و موانع توسعه نیافتگی سیاسی عراق پسا صدام به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود.

۴. عوامل داخلی توسعه نیافتگی سیاسی عراق پسا صدام

الف) چالش‌های قومیتی و مذهبی دخیل در کسب قدرت سیاسی عراق

از مهم‌ترین چالش‌های موجود در عراق، رقابت اقوام در دولت برای تصاحب پست‌های مهم دولتی و سیاسی است که به رقابت جدی منجر شده است. همچنین این رقابت به بعد از خروج

9. Arend Lijphart

اشغالگران نیز کشیده شده است و گروه‌های مسلح در عراق علیه یکدیگر عملیات نظامی انجام داده‌اند. به‌طور کلی احزاب عراق را که برای کسب قدرت سیاسی تلاش می‌کنند می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد: الف) قوم پایه: شامل گروه‌های عمده کردی مانند حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق که غالباً موضع‌گیری‌های قومی دارند و براساس سیاست‌ها و برنامه‌های کردی عمل می‌کنند. ب) مذهب پایه: شامل احزاب و گروه‌های عمده شیعی مانند حزب الدعوة، مجلس اعلای اسلامی، حزب فضیلت که در قالب «اعتلاف یک پارچه عراق» گرد آمده‌اند و در میان گروه‌ها و احزاب سنتی نیز «حرب العراقیه» یا نهادهایی چون حزب اسلامی عراق و هیئت علمای مسلمین به‌عنوان گروهی که خارج از چارچوب رسمی عمل می‌کند بر پایه مذهب بنیان نهاده شده‌اند. پ) گروه پایه: گروه‌بندی‌های قومی و مذهبی، نقش زیادی در شکل‌گیری این احزاب ندارد. احزاب و گروه‌هایی مانند «دولت قانون»، به رهبری نوری مالکی، «العراقیه» به رهبری ایاد علاوی و «کنگره ملی عراق» به رهبری احمد چلپی را می‌توان در این گروه برشمرد (Akbari, 2010: 119-172).

یکی از علت‌های منازعات قومی در عراق را می‌توان توزیع نابرابر قدرت از زمان استقلال تاکنون در این کشور دانست، زیرا عراق از کشورهای نوپا و ساختگی در منطقه غرب آسیا است که بافت جمعیتی متنوع و ناهمگونی دارد. همان‌طور که اشاره شد پس از جنگ جهانی اول، انگلستان جهان عرب را تقسیم کرد و کشور عراق از به‌هم پیوستن ۱۸ استان از امپراتوری عثمانی جدا و مستقل شد. از دهه ۱۹۳۰ تا پایان سده بیستم، اقلیت عرب‌های سنی آن زمان (حدود ۱۷ درصد) ساکن مناطق مرکزی بر اکثریت عرب شیعی (حدود ۵۵ درصد) و بر کردهای شمال و ترکمن‌ها و مسیحیان در عراق حکمرانی کرده‌اند. به‌طوری که در سال ۱۹۳۶ از مجموع ۶۱ مقام ارشد دولتی، ۵۹ نفر عرب سنی بودند. در دوران پادشاهی عراق نیز تا سال ۱۹۵۸، حدود ۸۵ درصد مقامات عالی‌رتبه کشور از میان این گروه (اقلیت سنی مذهب) برگزیده شده بودند. با قدرت‌گرفتن بعثی‌ها، سهم اندک گروه‌های قومی و مذهبی در حاکمیت از این مقدار هم پایین‌تر آمد و به کمتر از ۶ درصد رسید (Haqpanah, 2007: 64). از طرفی تداوم موقعیت ممتاز عرب‌های سنی در دورانی طولانی و سیاست دولت‌های مختلف در عراق موجب شد تا آن‌ها سهمی نامتناسبی در قدرت داشته باشند (Ahmadi, 2015: 67). نقش مهم عرب‌های سنی در عراق در دوره بعد از استقلال این کشور تا حدود زیادی ریشه در نقش مسلطی دارد که آن‌ها در طول تاریخ بعد از اسلام، چه در دوره خلفا و چه بعد از آن تا پایان تسلط عثمانی بر

بغداد، بصره و موصل داشتند. بعد از استقلال نیز خاندان سنی مذهب هاشمی، امکان داد تا عرب‌های سنی اهرم‌های سیاسی و اقتصادی قدرت را همچنان در کنترل خود نگه دارند (Ah-madi, 2005: 64).

ب) بحران هویت ملی در عراق

عراق از کشورهای غرب آسیاست که شکل متنوع و چندگانگی هویتی و فرهنگی و همزیستی اقوام و گروه‌های مختلف مذهبی دارد. جغرافیای سیاسی عراق شامل سه گروه قومی، فرقه‌ای عمده یعنی کردها در شمال، اعراب سنی در نواحی مرکزی و شیعیان در جنوب و اقلیت‌هایی همچون ترکمن‌ها، ارمنی‌ها، ایزدی‌ها، آشوری‌ها هستند که پراکنده‌اند. چندگانگی و تکثر قومی، مذهبی و فرهنگی و شکاف‌های مختلف سبب عدم شکل‌گیری هویت ملی واحد در عراق شده است. به‌طور کلی، گروه‌های مختلف قومی از لحاظ جغرافیایی در زندگی اجتماعی با یکدیگر در یک تعامل روزمره هستند، اما روابط بین گروه‌ها توسط هنجارهای فرودستی در یک چارچوب درجه‌بندی شده هدایت می‌شود و به‌صورتی شکل داده شده است که بیانگر و مؤید تمکین گروه فرودست و سلطه‌گروه مسلط و شیوه تعاملاتی است که این سیستم را به آداب و رسوم سیستم کاستی نزدیک می‌کند. عراق از کشورهایی است که فرهنگ سیاسی قطبی واگرایانه دارد که به حذف‌گرایی و نهادینه‌نشدن حکومت منجر می‌شود.

گرچه صدام حسین توانست با ایجاد دستگاه سرکوب و گسترش قدرت حزبی بر دستگاه دولتی، ثبات نسبتاً پایداری به مدت سه دهه در عراق پی‌ریزی کند، سرانجام این ثبات، با عدم مشروعیت مواجه شد و رژیم بعث در ایجاد یک جامعه ملی و رفع بحران هویت ناموفق بود. تحولات عراق در چند سال اخیر و بعد از اشغال این کشور نیز حاکی از برجستگی هویت‌های گروهی نسبت به هویت ملی است. همچنین رفتار بیشتر نخبگان و احزاب سیاسی در جهت اهداف و هویت گروهی است. برای نمونه، در انتخابات مجلس نمایندگان در سال ۲۰۰۵ این نکته بارز است که ۹۰ درصد آرا براساس شکاف‌ها و هویت‌های قومی و فرقه‌ای بوده است (Akbari, 2019: 157 - 155).

پ) بحران اقتصادی و توسعه اقتصادی نامتوازن

اقتصاد عراق بر نفت، کشاورزی و دامداری بنا نهاده شده است. در دهه ۱۹۷۰، با بالا رفتن

قیمت نفت شاهد دوران طلایی اقتصاد عراق بودیم و در همین دوران صنعت، کشاورزی و بهداشت در عراق رشد کرد. اما بعد از جنگ عراق با ایران، با وجود حجم هنگفت درآمد نفتی، دیگر درآمدهای ناشی از فعالیت‌های اقتصادی داخلی عراق از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ سیر نزولی داشته است و عراق از نظر درآمد سرانه به گروه فقیرترین کشورها پیوست. حتی برنامه نفت در برابر غذا در سال ۱۹۹۶ نیز کمک چندانی به اقتصاد عراق نکرد. پیروزی نظامی ائتلاف آمریکا و انگلیس در سال ۲۰۰۳ به تعطیلی قسمت عمده‌ای از ساختار اجرایی و اقتصادی عراق منجر شد. میزان عمده‌ای از تأسیسات اقتصادی نیز به دنبال شورش‌ها، غارتگری و خراب‌کاری‌ها خسارت دید و تلاش‌ها برای بازسازی اقتصادی عراق به تعویق افتاد (Akbari, 2010: 154-153). در نتیجه، پس از این تاریخ، بسیاری از جوانان که با فقر، بیکاری و بیسوادی مواجه بودند و آینده خوبی برای خود متصور نبودند، جذب گروه‌های افراطی و تروریستی همچون داعش می‌شدند.

توسعه اقتصادی عراق با عدم توازن شدید مواجه است و دولت این کشور نتوانسته است زیرساخت اقتصادی منصفانه و متوازن در تولید و توزیع ثروت ایجاد کند. این کشور در یک شرایط نه چندان مطلوب اقتصادی قرار دارد که به دسترسی برخی افراد و پاره‌ای مناطق، در مقابل عدم دسترسی ناکافی مناطق دیگر همراه بوده است. در این شرایط، احساس تبعیض اقتصادی، به حاشیه‌رفتن و دسترسی نداشتن به مبنای زندگی حداقلی میان آن بخش عقب‌افتاده، زمینه را برای چالش و تنش با حکومت ایجاد می‌کند و بستری برای ترویج و ظهور انواع رادیکالیسم می‌شود. در نگاهی دیگر می‌توان گفت پس از سرنگونی حزب بعث به سرکردگی صدام حسین، یکی از بسترهای ایجاد نیروی تروریستی محصول وضعیت ناگوار اقتصادی عراق است. فقر، تبعیض و عقب ماندگی اقتصادی در کنار عدم توازن این مؤلفه مهم، می‌تواند یکی از بارزترین عوامل برای شکل‌گیری و گسترش تروریسم در عراق پس از صدام باشد. تروریسم داعش نیز با تمرکز بر همین مناطق حاشیه‌ای در اقتصاد عراق، زمینه را برای گسترش خود فراهم کرده و با دادن بسته‌های غذایی، گوشت مجانی ناشی از غارت اموال شهرهای ویران شدن عراق به دست نیروهای جهادی و نیز دادن مبالغی پول به آن‌ها توانست بخش قابل توجهی از سنی‌های عراق را در سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ به خود جذب کند.

ت) ناهمگونی ساختار اجتماعی و فرهنگی، مانعی در مسیر وحدت مردم عراق

کشور عراق از نظر ساختار اجتماعی و فرهنگی به سه حوزه کاملاً متفاوت قابل تقسیم

است. در حوزه مرکزی عراق اعراب سنی، در شمال و شرق کردها و در جنوب شیعیان سکونت دارند که هرکدام از این گروه‌ها شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود را دارند. البته در کنار این سه گروه اصلی، هویت‌های فرهنگی و اجتماعی کوچک‌تری مانند ترکمن‌ها، آشوری‌ها و یزدی‌ها نیز وجود دارند که فرهنگ و عقاید متمایزی دارند.

کردهای عراق: کردها عموماً در مناطق بلند شمالی، دره‌های مجاور آن و در چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک (تمیم) زندگی می‌کنند. گروهی از کردها نیز در خانقین پراکنده هستند. پیوند و همبستگی کردها، قبیله‌ای است. قبایلی چون هرکی، سورچی و زیباری توانسته‌اند هنوز پیوستگی بدوی سنتی خود را حفظ کنند. اکثریت کردهای عراق سنی مذهب هستند و تنها بخشی از آن‌ها که در اطراف خانقین سکونت دارند، شیعه مذهب هستند. کردها از ابتدای تشکیل عراق در جهت خودمختاری با دولت مرکزی این کشور مبارزه کردند و این مسئله باعث تشدید گرایش‌های قوی در آن‌ها شده است؛ در مجموع، عنصر قومیت نسبت به مذهب در هویت کردها پررنگ‌تر است. کردهای عراق که از نظر قومی به ایرانی‌ها نزدیک هستند، بر فرهنگ، زبان و قومیت کردی خود بسیار تأکید دارند و همواره تلاش کرده‌اند خود را از اکثریت اعراب عراق متمایز کنند. بعد از فروپاشی رژیم بعث، کردها با تشکیل ایالات فدرال نیمه خودمختار در شمال عراق، از نظر اجتماعی دارای آزادی و خودمختاری زیادی شده‌اند تا آنجا که در این دوره زبان کردی در کنار زبان عربی به‌عنوان زبان رسمی عراق در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است.

شیعیان عراق: شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی عراق سکونت دارند. شیعیان عراق از نظر فرهنگی نشانگر فرهنگ خاصی هستند که از دو مجموعه فرهنگی قومی عربی و مذهب شیعی تشکیل می‌شوند. قومیت عربی شیعیان عراق آن‌ها را به اعراب سنی پیوند می‌دهد و آن‌ها از نظر آداب و رسوم و پیوندهای قبیله‌ای با اعراب اشتراکات زیادی دارند، اما مذهب شیعه باعث تمایز فرهنگی آن‌ها از جهان عرب اهل سنت می‌شود. وجود حوزه علمیة نجف و در نتیجه، حضور دائمی علمای شیعی در این شهرها باعث تقویت فرهنگی شیعی شده است و این امر شیعیان عراق را از نظر فرهنگی به ایرانیان شیعی مذهب نزدیک ساخته است.

اعراب سنی عراق: اعراب سنی بخش دیگری از ساختار فرهنگی اجتماعی عراق را تشکیل

می‌دهند. این بخش فرهنگی از ساختار فرهنگی عراق بر اساس قومیت عربی و مذهب سنی ایجاد شده و به دلیل حاکمیت اقلیت اعراب سنی در طول دهه‌های گذشته در عراق تقویت شده است. گرایشات و عصبیت عربی این بخش از فرهنگ عراق بسیار قدرتمند بوده و «پان عربیسم»^{۱۰} به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی فعال در عراق و حتی جهان عرب در این فرهنگ ریشه داشته است. این بخش از ساختار فرهنگی عراق به دلیل حمایت‌های نظام سیاسی در پی تسلط بر سایر بخش‌ها و همسان‌سازی فرهنگی بوده است (Computer Research Center of Islamic Sciences "Noor", 2017).

ث) نظریه فدرالیسم‌سازی عراق

در نظریه فدرالیسم‌کردن عراق، استان کردستان از میزان بالایی خودمختاری بهره‌مند شد و سایر استان‌ها نیز به‌نوبه خود با بازگذاشتن دست استان‌داران در امور محلی، از این امتیاز برخوردار شدند. این موضوع مانند تیغ دولبه عمل می‌کند که از سویی می‌تواند موجب آرامش سیاسی و در نتیجه، پایان خشونت‌ها و قوم‌گرایی‌ها باشد و از سوی دیگر، مقدمات تجزیه این کشور و فرورفتن عراق در یک بحران غیر قابل حل را ایجاد کند. قبل از پرداختن به این بحث تعاریفی از فدرالیسم بیان می‌کنیم.

عده‌ای آن را به‌مثابه شکلی از حکومت که وحدت را در عین تنوع حفظ می‌کند تعریف می‌کنند (Kincaid, 2002: 223). گراهام اسمیت^{۱۱} معتقد است: «فدرالیسم به‌عنوان شکلی از پلورالیسم جغرافیایی، در حال جلب توجه کشورهای است که در صدد حفظ وحدت دولت در جوامع چند قومی هستند» (Smith, 1995: 203). مورای فورسیت^{۱۲} نیز معتقد است «مردمی که از لحاظ زبان، نژاد و فرهنگ مختلف هستند، می‌توانند مزایای عضویت در یک فدراسیون را احساس کنند» (Forsyth, 1989: 135) در مجموع به‌عنوان یک روش حکومتی، فدرالیسم عبارت است از تقسیم قدرت و واگذاری قسمتی از آن به سرزمین‌های خودمختار که هرکدام از آن‌ها به‌طور منظم و مستمر در نهادها و تصمیمات دولت مرکزی مشارکت دارند. عده‌ای از پژوهشگران صاحب‌نظران سیاسی، فدرالیسم را مؤثرترین راه برای حل معضل تأسیس دولت - ملت در جوامعی می‌دانند که با چندگونگی‌های ساختاری مانند قومی، نژادی یا مذهبی مواجه هستند.

10. Pan-Arabism
11. Graham Smith
12. Murray Forsyth

با توجه به اینکه عراق، کشوری چندقومی و چندمذهبی است و به جهت تقسیم عادلانه قدرت که در گذشته تاریخی خود از آن بی بهره بوده است، فدرالیسم را به عنوان شکل حکومتی خود انتخاب کرده است. اما نگرانی کشورهای منطقه این است که فدرالیسم عراق با توجه به مسائل خاص آن تأثیرات عدیده‌ای را در آن‌ها بر جای بگذارد (Moradi, 2011: 38). عراق، هم براساس ماده چهار قانون اساسی موقت و هم براساس قانون اساسی دائم، فدرالیسم را به عنوان شکل حکومت آینده خود پس از سقوط صدام انتخاب کرده است. با این حال نوعی حالت «پروبلماتیک»^{۱۳} و معضل در مورد آینده فدرالیسم در عراق وجود دارد و علت آن بدعت‌گذاری‌ها، ابهامات قانونی، مشکلات حقوقی و قانونی است که در مورد فدرالیسم در عراق حاکم است (Sai, Moradi, 2018: 32-31).

ج) مشکلات اجرای فدرالیسم در عراق

فدرالیسم با سابقه‌ای که تاکنون از خود بر جای گذاشته، مشکلات متعددی در عراق داشته است. مشکلات ناشی از وضعیت جغرافیایی سرزمینی، فدرالیسم کردستان عراق بیشتر از اینکه مبتنی بر اصول فدرالیسم باشد قومی است و تنها این منطقه را شامل شده است. در حالی که فدرالیسم معمول، مشتمل بر حداقل دو منطقه سازمان نیافته است و بدین علت است که فدرالیسم عراق، با هیچ کدام از نمونه‌های خارجی خود از آمریکا گرفته تا بلژیک قابل قیاس نیست و اشکالات اساسی بر آن وارد است. در بلژیک دو قومیت متفاوت هلندی زبان و فرانسوی زبان در شمال و جنوب مستقرند، در حالی که در عراق سه چهارم جمعیت این کشور را اکثریت عرب تشکیل می‌دهد و قوم کرد در کشورهای همسایه عراق همچون ترکیه، سوریه و ایران سکونت دارند.

مشکلات ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت اقتصادی در عراق، یکی از مشکلات دیگر این کشور منابع عراق و مهم‌تر از همه نفت است که اکثریت آن در مناطق شیعه‌نشین و کردنشین واقع شده است و این امر در قالب اجرای نظام فدرالی، یعنی محرومیت بخش عظیمی از جمعیت عراق از منابع عظیم نفتی که به هیچ عنوان مورد قبول اهل سنت عراق نیست. البته کردها با اجرای فدرالیسم به بیشتر خواسته‌های خود رسیده‌اند. اما این خودمختاری را شروعی برای رسیدن به استقلال کامل کردستان و جدایی از بدنه عراق می‌دانند. به هر صورت تجزیه عراق، کشورهای

۱۳. پروبلماتیک (Probematic) یک ساختار بنیادین است که امکان طرح پرسش‌های خاص را فراهم می‌کند (آلتوسر).

منطقه را با بحران امنیتی مواجه می‌سازد و باعث می‌شود بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در این کشور نفوذ کرده و ثبات منطقه را بر هم بزنند. به همین دلیل، بیشتر کشورهای منطقه، به جز رژیم صهیونیستی با آن مخالف هستند (Sai, Moradi, 2018: 68).

چ) به قدرت رسیدن شیعیان و تضعیف و انزوای اعراب سنی عراق پس از صدام حسین

تأسیس کشور عراق از ابتدا براساس یک هویت ملی شکل نگرفته و فرایند دولت - ملت‌سازی در این کشور به صورت ناقص صورت گرفته است. با توجه به تکثر قومی و مذهبی در کشور عراق، اعراب سنی از همان ابتدای تأسیس عراق طرح ملت‌سازی را در جهت همانندسازی مذاهب و اقوام با خواسته‌های خود دنبال کرده‌اند. سیاست دولت عراق از زمان ایجاد آن تا سقوط صدام حسین سه مشکل ساختاری به هم پیوسته داشته است: الف) به کارگیری سطوح بالایی از خشونت سازمانی به وسیله دولت برای تسلط بر جامعه و شکل دادن به آن؛ ب) استفاده از منابع دولتی مانند مشاغل و کمک‌های مالی و اقتصادی به منظور جلب وفاداری بخش‌های مختلف جامعه؛ ج) استفاده از درآمدهای نفتی برای افزایش استقلال و خودمختاری در برابر جامعه. این مشکلات پیوسته، عاملی برای عدم مشروعیت داخلی دولت عراق بوده است. اساسی دولت عراق در زمان تشکیل تاکنون، کنترل جامعه عراق با استفاده از سازمان‌ها، ابزارها و شیوه‌های خشونت‌آمیز و سرکوبگرانه بوده است (Azghandi and Kerami, 2007).

با حمله آمریکا و هم‌پیمانانش و سقوط رژیم بعث در عراق اقلیت سنی از رهبران این کشور کنار زده شدند و به جای آن‌ها کردها و شیعیان قدرت را به دست گرفتند. به همین دلیل، رقابت‌های قومی و مذهبی سنی‌ها، کردها و شیعیان به عامل اصلی و تعیین‌کننده در استقرار ثبات سیاسی و صلح در عراق جدید تبدیل شده است. شکل‌گیری عراق جدید برای کردها و شیعیان دستاوردهای عظیمی در برداشته است، ولی دستاورد آن برای اعراب سنی کاسته شدن از قدرت و انزوای بیشتر را در پی داشته است. انزوای جامعه عرب سنی موجب نارضایتی از شیوه تقسیم قدرت و گرایش آن‌ها به خشونت برای برهم‌زدن بازی قدرت در عراق جدید شده است. نارضایتی اعراب سنی از روند تحولات جدید در عراق موجب جذب مردم در گروه‌های شورشی برای برهم‌زدن روندهای سیاسی و امنیتی جدید شده است.

سیاست‌های دولت موقت ائتلاف و روش‌ها و تاکتیک‌های نامناسب به کار گرفته شده توسط نیروهای آمریکایی بیشترین تأثیر را در رشد سریع شورشیان داشته است. اجرای سیاست بعثی

زدایی و تصمیم برای از بین بردن ارتش ۴۰۰ هزار نفری که بسیاری از آن‌ها اعراب سنی بودند باعث شد که از حقوق و معیشت خود محروم شوند و سبب خشم کهنه‌سربازان شد که فکر می‌کردند به خاطر مقاومت نکردن در مقابل نیروهای ائتلاف پاداش می‌گیرند. در مراحل اولیه از اشغال عراق، ده‌ها هزار نفر از عراقی‌های بی‌گناه بازداشت یا توسط نیروهای ایالات متحده مورد خشونت و اهانت قرار گرفتند. در نهایت دستاورد کاروان‌های گشت‌زنی و روش‌های تهاجمی ایالات متحده تا حد زیادی به گسترش پایگاه استخدام شورش نوپا و گروه‌های تروریستی کمک کرده‌اند (Eisenstadt, White: 2005).

بخشی از چالش اصلی نیروهای امنیتی ائتلاف و دولت جدید عراق این است که با شورش‌هایی مرکب از عناصر و انگیزه‌های متفاوت مواجه هستند که شامل اعضای رژیم سابق و اسلام‌گرایان عراقی، جهادگران خارجی، عراقی‌های عصبانی یا آزرده، گروه‌های قبیله‌ای و جنایت‌کاران است. انگیزه اصلی بیشتر این گروه‌ها عبارت‌اند از:

- مقاومت در برابر اشغال کشور؛

- واژگونی یا سرنگونی دولت جدید عراق؛

- ایجاد یک دولت اسلامی یا خلافت در عراق.

عناصر اصلی شورشیان عرب سنی به دنبال به دست آوردن قدرت مجدد تحت عنوان اشخاص یا اعضای رژیم سابق یا به عنوان یک جامعه است. با توجه به آمارهای توزیع جغرافیایی حملات شورشیان در کشور عراق نشان می‌دهد که ۸۵ درصد از خشونت‌های شورشیان در چهار استان الأنبار، بغداد، صلاح‌الدین و نینوا با جمعیت اکثریت اعراب سنی رخ داده است و مناطقی به شدت ناامن بوده است (Report to Congress, 2005: 21).

۵. موانع خارجی توسعه نیافتگی سیاسی عراق پس‌اصدام

الف) پیامدهای حضور نظامی ائتلاف در عراق و گسترش تروریسم

نخستین پیامد حضور نظامی کشته شدن غیرنظامیان بی‌گناه است؛ اتفاقی که تصویر کشور حمله‌کننده را در ذهن مردم کشور اشغال‌شده خراب کرده و نفرتی عمومی ایجاد می‌کند؛ نفرتی که زمینه بسیار مناسبی را برای یارگیری تروریست‌ها فراهم می‌کند (Mothana, 2012).

37). دومین عامل، فاصله اجتماعی میان اشغال‌کننده و اشغال‌شده است. هرچه این فاصله بیشتر باشد، احساس ترس جامعه اشغال‌شده از نابودی زندگی اش بیشتر می‌شود و وقتی بین دو مذهب تصرف‌کننده و تصرف‌شده اختلاف وجود داشته باشد، تمایل به حرکت انتحاری افزایش می‌یابد. تفاوت مذهبی مهم است، زیرا رهبران تروریست‌ها را قادر می‌کند ادعا کنند اشغال‌کنندگان توسط انگیزه‌های مذهبی تحریک می‌شوند که ممکن است هم جامعه محلی سکولار و هم مذهبی‌ها را بترساند. بن لادن نیز هرگز این فرصت را از دست نداد که اشغال‌کنندگان آمریکایی را سربازان جنگ‌های صلیبی معرفی کند که با انگیزه‌های مسیحیت تحریک شده‌اند و در پی غارت اموال مسلمانان و تغییر روش زندگی آن‌ها هستند (Francis, 2012: 119).

حمله نظامی ایالات متحده به عراق و خلأ قدرت و بی‌نظمی به وجود آمده پس از اشغال، تأثیر بسیار مخربی بر این کشور داشت و زمینه را برای رشد گروه‌های تروریستی ایجاد کرد. در ادامه تجهیز و آموزش ارتش دولت شیعه عراق و اقدامات سرکوبگرانه و خشن این دولت علیه اقلیت سنی، اوضاع را خطرناک‌تر و پیچیده‌تر کرد (Pollack, 2015: 94). پیش از حمله آمریکا به عراق در این کشور نه القاعده وجود داشت و نه داعش، و به اعتراف خود آمریکایی‌ها داعش غولی است که خودشان ساخته‌اند و اکنون باید برای نابودکردن آن بکوشند (Hussain, 2016: 56).

در پی حمله نظامی آمریکا به عراق و تغییر رژیم این کشور و استقرار دولت شیعی، گروه‌های گوناگون شبه نظامی سنی (با حمایت عربستان سعودی) با دو هدف مقابله با دولت شیعی و گروه‌های شبه نظامی شیعی و مقابله با اشغالگران خارجی شکل گرفت. پس از انتخاب نوری مالکی، توسط ایالات متحده به جای ابراهیم جعفری و سیاست‌های تبعیض آمیز و خشن مالکی علیه سنی‌ها، فرایند افراط‌گرایی گروه‌های سنی تسریع شد و فضا برای رشد گروه‌های تروریستی مهیاتر از قبل شد. در ادامه سنی‌های عراق زیر فشار حکومتی که آمریکا انتخاب کرده بود و ارتشی که این کشور تجهیز می‌کرد، به سمت گروه‌های افراطی حرکت کردند. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که آمریکا با حمله به عراق و از بین بردن کارخانه‌های این کشور، بیکاری گسترده‌ای را در عراق ایجاد کرد و امیدوار بود که سیستم اقتصاد بازار بتواند در کوتاه‌مدت نتایج مثبتی برای اقتصاد عراق به همراه داشته باشد، اما شرایط در عراق به گونه‌ای پیش رفت که این بیکاری تشدید نیز شد که سبب نارضایتی مردم شد و ظرفیت افراط‌گرایی را

توسعه داد (Chengu, 2014: 15).

در حقیقت آمریکا در عراق به جای شکل دادن به تقسیم قدرت عادلانه میان سنی و شیعه و گوش سپردن به خواست‌های به حق اقلیت سنی و همچنین تلاش برای شکل دادن به ارتشی ملی در عراق که حس عراقی بودن را به هر دو، سنی و شیعه بدهد، از مالکی و سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌اش حمایت کردند و چشم بر تلاش‌های مالکی برای سیاسی کردن ارتش و دستیابی به اهداف محدود خود بستند (Pollack, 2015: 82). در نتیجه، سیاست‌های غلط خاورمیانه‌ای آمریکا که محور مثلث نظامیگری، حمایت از دولت‌های دیکتاتور حامی تروریسم و بی‌اهمیتی به زمینه‌های شکل‌گیری تروریسم قرار دارد، اسباب رشد و تقویت تروریسم در منطقه شده است.

ب) تروریسم: مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در عراق

بعد از تهاجم ایالات متحده به عراق در مارس ۲۰۰۳، پنتاگون گفت نیروهای آمریکا به‌مثابه نیروهای آزادی‌بخش مورد استقبال قرار گیرند. اشغال طولانی‌مدت، جزئی از طرح پنتاگون برای اداره بعد از جنگ نبود. کاخ سفید در نظر داشت که قدرت به‌سرعت به یک حکومت موقت به رهبری احمد چلبی و دیگر تبعیدیان عراق هوادار دموکراسی تفویض شود، اما در مواجهه با شرایط آشفته بعد از جنگ، دولت بوش مجبور شد این راهبرد را رها کند (Di-amond, 2005: 10). مهم‌ترین زیرساخت‌های کشور ویران شده بود. سیاست‌های دولت موقت ائتلاف که رهبری آن با پل برمر^{۱۴}، دیپلمات پیشین آمریکایی بود، از جمله انحلال ارتش و نهادهای امنیتی یا روند بعضی‌زدایی، تأثیر عمده‌ای در فضای سیاسی و وخیم‌شدن اوضاع از لحاظ امنیتی به‌دنبال داشت. این سیاست‌ها، بیگانگی اجتماع سنی عراق را در پی داشت، به‌طوری که آن‌ها در انتخابات‌های اولیه، تا حدودی مشارکت داشتند. از سویی دیگر، فساد حکومت و به‌حاشیه‌رفتن جمعیت خاصی از عراق، باعث تکه‌تکه‌شدن جامعه عراق براساس خطوط فرقه‌گرایانه شد. برخی از صاحب‌نظران، مسئولیت شورش‌ها، عملیات انتحاری و بمب‌گذاری‌های عمده در سال‌های پیش از سال ۲۰۱۰ را بیشتر متوجه نخبگان سیاسی، امنیتی و نظامی وفادار به صدام و حزب بعث و اعراب سنی محروم از امتیازات پیشین که به‌وسیله منابع مالی و نظامی که قبل از سرنگونی رژیم برای این مسئله در سراسر عراق پراکنده و در نظر

14. Paul Bremer

گرفته شده بود، می دانستند (Devis, 2005: 236-23).

این وضعیت نگران کننده امنیتی و خشونت های مرگبار و ضعف دولت بغداد در برقراری امنیت نسبی همراه با کشمکش های سیاسی و نظامی جریان های سیاسی، نقض آشکار حقوق بشر از سوی نیروهای دولتی و غیردولتی را در پی داشته است. با ظهور داعش و کنترل استان نفت خیز موصل و برخی از مناطق سنی نشین عراق شاهد جنگ داخلی مذهبی بین تروریست های داعش و نیروهای وابسته به اقلیت سنی با حمایت منطقه ای از یک طرف و دولت عراق و شبه نظامیان و هم پیمانان منطقه ای شان، از طرف دیگر بوده ایم. علاوه بر این، درگیر شدن داعش با کردها نیز خونین بوده است. سازمان عفو بین الملل در گزارش سال ۲۰۱۴ خود، از نقض حقوق بشر توسط داعش می نویسد: «تصرف شهر سنجار (سنگال) در شمال غربی عراق منجر به ربودن صدها و احتمالاً هزاران مرد، زن و بچه های اقلیت ایزدی از سوی تروریست های در آگوست ۲۰۱۴ شد. صدها مرد کشته و برخی مسن ترها تیر باران شدند. برخی نیز متحمل شکنجه، اعدام و تجاوز جنسی شدند (Amnesty International, 2014: 4).

اکثریت قریب به اتفاق مرگ ناشی از تروریسم در سال ۲۰۱۳ در عراق رخ داده است. به بیانی دیگر، ۳۵ درصد از تمام مرگ و میرهای تروریستی در جهان در طی ده سال، عراق نه سال تمام بیشترین تعداد مرگ و میر انسانی تروریستی را در جهان داشته است. تنها در سال ۲۰۱۲ افغانستان ۳۰۰ مورد مرگ و میر تروریستی، بیشتر از عراق ثبت کرده بود. ۸۷ درصد از مرگ و میرها و ۹۷ درصد از صدمات تروریستی در عراق به وسیله بمب گذاری و انفجار رخ داده است. داعش مسئول بیشتر بمب گذاری های انتحاری در عراق است. جالب اینکه در هر حمله ۱۰ نفر کشته و ۱۸ نفر (به طور متوسط) آسیب دیده اند. از ۱۹ استان عراق، ۱۷ استان تجربه حملات تروریستی را داشته اند که بغداد پایتخت عراق ۲۵ درصد حملات تروریستی در آن صورت گرفته و استان های موصل، بعقوبه، کرکوک، الأنبار، دیاله، نینوا و صلاح الدین نیز آمار بالایی دارند.

پ) چالش های امنیت و توسعه در عراق پس از سرنگونی صدام حسین

نبود ثبات سیاسی و بروز بحران های مختلف در دو دهه اخیر، عراق را به جولانگاه تروریست ها و دولت های خارجی منفعت طلب تبدیل کرده است. در این میان، مسئله استقلال کردستان به شدت بر وحدت ملی اثر گذاشته و امکان هرگونه تصمیم گیری و حرکت به سوی توسعه سیاسی را از دولت گرفته است. نبود وفاق سیاسی در کشور عراق در خصوص مسئله

اقلیم کردستان و مسئله قومیت‌ها و مذاهب سبب می‌شود که دولت‌هایی که سرکار می‌آیند به گرایش‌ها و تمایلات خود سوق پیدا کنند و بیشتر برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت در زیرساخت‌های توسعه و امنیت صورت می‌گیرد و سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های درازمدت به بقای دولت‌ها نمی‌رسد. در بعد اقتصادی کشور نیز همچون سیاست، بی‌تدبیری‌های فراوان صورت گرفته است. زیربنای توسعه و رشد اقتصادی هر کشوری در درجه نخست به امنیت آن بر می‌گردد و امنیت اقتصادی در سایه امنیت داخلی و ثبات سیاسی حاصل می‌شود. زمانی که کشور در ناآرامی‌ها به سر می‌برد، امکان ورود سرمایه‌گذار به دلیل ریسک بالای امنیت سرمایه کاهش می‌یابد یا در حالت خوش‌بینانه به سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در مواد مصرفی و زودبازده اقدام می‌کنند. از نظر فساد اداری طبق گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت در سال ۲۰۱۶، کشور عراق از بین ۱۷۶ کشور رتبه ۱۶۷ را کسب کرده که نشانه آمار بالای فساد دستگاه‌های اداری و نظام بروکراتیک در این کشور است و تهدیدی برای توقف رشد و توسعه کشور می‌تواند باشد.

ت) وضعیت اقتصاد عراق پساصدام

آمارهای اقتصادی حاکی از وضعیت ناگوار اقتصادی عراق پساصدام بسیار نگران‌کننده هستند. در ادامه به اختصار به این آمار اشاره می‌کنیم. به‌دنبال اشغال عراق تا سال ۲۰۱۹ در نتیجه، تعارض و هم‌آوردجویی نیروهای سیاسی در مقابل یکدیگر، بیش از ۲۷۰۶۴۵ نفر از شهروندان عراقی کشته و میلیون‌ها نفر از سکونتگاه‌های اصلی خود جابه‌جا و آواره شده‌اند. به این مهم باید فقر فراگیر و فلج‌کننده، بیکاری گسترده و نارسایی خدمات اجتماعی و فروپاشی بسیاری از زیرساخت‌های این کشور را طی دو دهه اخیر اضافه کرد (Hamourziadou and Bulent, 2020). گزارش کمیسیون صداقت عراق درباره فساد ۱۰ میلیارد دلاری از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ و گزارش سازمان ملل درباره وابستگی شدید اقتصادی عراق به نفت و اشاره به سهم اندک ۲ درصدی بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی این کشور، گویای نوعی وابستگی به مسیر و عدم موفقیت تلاش‌ها برای پیشبرد روند توسعه پویای ملی در این کشور بوده است (transparency.org: 2019).

براساس گزارش‌ها در استقرار سیاسی عراق پساصدام به‌واسطه گسست نهادهای کارآمد و ضعف نظارت دقیق، ۲۵ درصد از کل بودجه این کشور در جریان بده‌بستان مالی از بین می‌رود. سازمان شفافیت بین‌الملل، عراق را به‌عنوان یازدهمین کشور فاسد جهان در سال ۲۰۱۷ ارزیابی

می‌کند. فساد به‌عنوان مانع اصلی رشد، توسعه و شکوفایی در عراق عمل می‌کند. در نتیجه معضل یاد شده، عراق کماکان با مشکلات زیرساختی متعددی چون جاده‌ها، مدارس و بیمارستان‌های ناتمام مواجه است. (Azize, 2017) وابستگی شدید اقتصادی عراق به منابع نفتی در سال ۲۰۱۹ به ۹۵ درصد افزایش یافته است. این امر حاکی از ضعف تنوع تولید و بهره‌وری در اقتصاد عراق است. سهم ۲ درصدی بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی نشانگر رکودی عظیم در سایر بخش‌های غیر نفتی عراق است. از سوی دیگر، سهم ۴ درصدی مالیات در درآمدهای عمومی نقش ضعیف درآمدهای مالیاتی را در درآمد کلی عراق برجسته می‌کند. جدیدترین آمار رسمی حول محور مسئله بیکاری و فقر نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در عراق ۱۴ درصد از نیروی کار است. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به بیش از ۳۴ درصد رسیده است. اگر کم‌کاری نیز به این نرخ اضافه شود، این میزان به ۴۰ درصد افزایش می‌یابد. عراق کمترین نسبت اشتغال به جمعیت در منطقه را دارد و بحران سال ۲۰۱۴ منجر به کاهش تخمینی ۸۰۰۰۰۰ هزار شغل در این کشور شده است. در همین حال، سطح فقر تا ۲۰ درصد از کل جمعیت را در برمی‌گیرد. به‌لحاظ میزان سرمایه‌گذاری خارجی و محیط مساعد برای سرمایه‌گذاری در بین ۱۹۰ کشور جهان، عراق رتبه ۱۷۲ را به خود اختصاص داده است (Hamilton, 2020).

جنگ‌های داخلی و درگیری با داعش و ناامنی گسترده یک بحران بزرگ انسانی و اقتصادی ایجاد کرده است. از سال ۲۰۱۴، جنگ علیه داعش جان بیش از ۶۷۰۰۰ غیر نظامی عراقی را گرفته است. این جنگ با آوارگی داخلی بیش از سه میلیون نفر در سراسر عراق و افزایش سریع فقر و آسیب‌های اجتماعی همراه بوده است. برآوردهای اخیر نشان می‌دهد بیش از ۸،۷ میلیون عراقی (۵،۲۲ درصد مردم) در حال حاضر به کمک‌های بشردوستانه وابسته‌اند. درگیری با داعش و ناامنی گسترده همچنین باعث از بین رفتن زیرساخت‌ها و دارایی‌ها در مناطق در کنترل داعش شده است. مسیرهای تجاری قطع یا به‌شدت محدود شده و اعتماد سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان کاهش یافته است. تولید محصولات کشاورزی ۴۰ درصد تنزل یافته است و تأمین غذای مورد نیاز کشور با نارسایی مواجه است. در این زمینه صدها هزار نفر مجبور شده‌اند برای شغل و پشتیبانی به مناطق شهری مهاجرت کنند (Bandiera, et al, 2018).

بازتولید چرخه بحران و پیش‌رفتن تدریجی به‌سمت نابودی کل زیرساخت‌های کشور مهم‌ترین مختصات اقتصاد سیاسی عراق در دو دهه بعد از اشغال این کشور توسط

آمریکایی‌هاست. فروپاشی زیرساخت‌ها و تأخیر در بازسازی و احیای آن‌ها، نرخ بالای بیکاری، فقر فلج‌کننده، سیاست‌های حامی‌پروری، فساد گسترده مالی، گسترش خشونت و منازعات داخلی، نرخ بالای مرگ‌ومیر و در کل تنزل کیفیت حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه عراقی را باید در پرتو اختلال نهادی و استقرار نظم دسترسی محدودی در این کشور مفهوم‌سازی کرد که تاکنون معطوف به پیگیری منافع گروه‌های قدرتمند و بهره‌برداری آن‌ها از ظرفیت‌ها و امکانات مادی، نهادی و معنوی عراق بوده است (Kazemi, et al, 2022: 23).

۶. نتیجه

در میان متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه نیافتگی سیاسی، مؤلفه‌های داخلی این کشور از جمله ساختار اجتماعی، فرهنگی، ذهنیت‌های تاریخی، عوامل سیاسی و اقتصادی و نیز ساختار و توانایی نظامی و امنیتی دولت عراق تأثیرگذاری عمده‌ای دارند. ساختار اجتماعی عراق از زمان شکل‌گیری این کشور مبتنی بر شکاف‌های متعدد قومی و فرقه‌ای بوده است که با وجود تلاش‌های رژیم بعثی برای تعریف یک هویت واحد عراقی، در زمان‌های مختلف بروز کرده است. پیدایش سیاست مبتنی بر هویت‌های قومی و فرقه‌ای به‌عنوان اصلی‌ترین شیوه تعریف خود اجتماعی و سیاسی و در نتیجه، تضعیف انسجام اجتماعی از ویژگی‌های عمده عراق جدید است که بر امنیت این کشور تأثیری بنیادین دارد. ظهور و گسترش تروریسم در عراق ابعاد پیچیده‌ای دارد که می‌توان عوامل اصلی دخیل در آن را به دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی تقسیم کرد. عوامل داخلی شامل تنش‌ها بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق بر سر مناطق مورد مناقشه، به قدرت رسیدن شیعیان و تضعیف و انزوای اعراب سنی و همچنین بافت قبیله‌ای کشور عراق و عوامل خارجی شامل ظهور و حضور سازمان‌های تروریستی چون داعش، سیاست آمریکا در مبارزه با تروریسم و سیاست‌ها و رویکردهای متفاوت قدرت‌های منطقه در قبال تحولات عراق از جمله عوامل اصلی در مسیر توسعه نیافتگی سیاسی همراه با نابسامانی در عراق پس از سرنگونی رژیم دیکتاتور بعث هستند.

راهکارهای برون‌رفت از بن‌بست توسعه نیافتگی سیاسی جامعه عراق

ارائه یک راهکار مناسب در خروج از بن‌بست توسعه نیافتگی سیاسی و فاصله‌نگرفتن از مسیر صحیح پیشرفت و توسعه همه‌جانبه در کشوری با تنوع اقوام، مذاهب و زبان‌های مختلف همچون عراق، بدون در نظر داشتن تمامی متغیرهای مؤثر، نمی‌تواند مفید باشد. مسیر درست

توسعه‌یافتگی سیاسی جامعه عراق نیاز به یک دگرگونی اساسی در باور سیاسی افراد و نهادهای مذهبی تأثیرگذار این کشور دارد، که پیش فرض‌های آن را تغییر در فرهنگ، اقتصاد و جامعه تشکیل می‌دهند. می‌توان تلاش‌های نوگرایانه فرهنگی را به‌جای توجه به ارزش‌های تقلیدی از غرب که می‌تواند میزان آسیب‌پذیری آن را افزایش دهد، بر مفاهیم تحول‌ساز دینی، عدالت، تعاون و مساوات، وحدت و وفاق ملی، عفو و مدار، دیگرپذیری و دیگربینی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی همراه با توجه به نخبگان سیاسی وطن‌پرست که مورد قبول همگان هستند با انتخابات آزاد در راه برقراری دموکراسی در راستای رسیدن به وحدت و یکپارچگی ملی و مانند این‌ها که بیشترشان ریشه‌های دینی، عقیدتی و ملی دارند تکیه کردند.



References

- Ahmadi, Hamid (1997), "Political stability, democracy and civil society in heterogeneous societies: the theory of democracy based on consensus and Lebanese experience", Middle Eastern Journal, No. 12, pp. 123-166. [In Persian]
- Akbari, Hossein (2010), "Sovereignty Crisis in Iraq", Tehran: Institute of Andish-esazan Noor Studies. [In Persian]
- Al-Sayed, Rizvan (2004), "Political Islam in the Struggle of Identity and Modernity", translated by: Majid Moradi, Tehran: Center for the Recognition of Islam and Iran. [In Persian]
- Amnesly International. (2014), Absolute Impunity Militaria Rule in Iraq, 4/15/2014.
- Arefi, Mohammad Akram (2011), "Obstacles to Political Development in Afghanistan (1370-1298)", Faculty of Law and Political Science, University of Tehran (Doctoral Dissertation) [In Persian]
- Azin, Ahmad and Bayati, Parvaneh (2015), "Obstacles to the development of democracy in Iraq, the first international conference of social sciences and sociology, Abadah." [In Persian]
- Azize, sardar (2017), The economic system (s) of the Kurdistan regional government, Iraq. In Between State and Non-State,. Palgrave Macmillan, New York, 2017
- Bandiera, Luca, Bledi Celiku, and Ashwaq Natiq Maseeh (2018), Iraq Economic Monitor- From War to Reconstruction and Economic Recovery: With a Special Focus on Energy Subsidy Reform. No. 125406. The World Bank, 2018
- Bashirieh, Hossein (2001), "Obstacles to Political Development in Iran", Tehran: Gam Noo Publications. [In Persian]
- Binder, Leonard (1998), "Crises of political development", translation: Gholam-reza Khaje Sarvi, Strategic Studies Quarterly, No. 1, pp. 233-244 [In Persian]

- Bouillon, M. E. (2012), "Iraq's state-building enterprise: State fragility, state failure and a new social contract", *International Journal of Contemporary Iraqi Studies*, 6(3), 281-297.
- Brecher, Michael (2003), "Crisis in World Politics", translated by Heydar Ali Balochi, Tehran: Strategic Studies Institute. [In Persian]
- Byman, Daniel (2001). "Iraq after Saddam". *Washington Quarterly*, 24, no. 4
- Chengu, Garikai (2014), "How The U.S Helped Create AlQarde and ISIS", Retrieved from Counterpunch.org.
- Davis, Eric (2005), *History Matters: Past as Prologue in building Democracy in Iraq*, Vol. 5, Orbis.
- Eisenstadt. M, White. J, *Assessing Iraq's Sunni Arab Insurgency*, Published in 2005 in the United States of America by the Washington Institute for Near East Policy.
- Forsyth. Murray (1989) *Federalism and Nationalism*, Leicester: Leicester University Press, p. 135
- Francis, Matthew (2012), "What Causes Radicalization? Maine Lines of Consensus in Recent Research", Retrieved from radicalstationresearch.org.
- Hamilton, Alexander (2020), *The political economy of economic policy in Iraq*. (2020).
- Hamourtziadou, Lily, and Bulent Gokay. *The promised spring: death and neoliberalism in Irag*. *Security Diaiogues* 11, no. 1 (2020): 45-60
- Haq Panah, Jafar (2008), "The Kurds and the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", Tehran: Abrar Mazazer. [In Persian]
- Hetne, Bjorn (2012), *Development theory and the three worlds*.
- Hirishman, A.O. (1984), *Pioneers in Development*. Oxford: University press.
- Huntington, Samuel (1991), "Political system in societies undergoing transformation", translated by: Mohsen Talasi, Tehran: Nash Alam. [In Persian]

- Huntington, Samuel (2002), "The Third Wave of Democracy", translated by: Ahmad Shahsa, Tehran: Rosenha. [In Persian]
- Huntington, Samuel P Dominguez. Jorge. (1975). Political development.
- Hussain, Dilly (2016)," ISIS: The Unintended Consequences of the u: Sled wer on Iraq", Retrieved from foreign policy journal.com.
- Kazemi, Hamed, Daneshnia, Farhad, Haji Yousefi, Amir Mohammad (2022), Political Economy of Development in Post-Saddam Iraq: Political Turn or Reproduction of Limited Access Order, Political and International Approaches Quarterly, Volume 14, Number 2 [In Persian]
- Khosravi, Alireza (2011), "Increasing Israel's presence in Iraq, expansion and influence strategy", Research Journal of Geographical Research, No. 48, p. 78. [In Persian]
- Kincaid. John (2002) Hand Book of Federal Countries, A Project of Federation, Ed. By Ann L. Griffith. New York: McGill Queens University Press, p. 223.
- Moradi, Jahanbakhsh (2011), "Examination of federalism in Iraq from the perspective of regional analysis", Political Science Quarterly, No. 17, pp. 35-58. [In Persian]
- Mothana, Ibrahim. (2012) "How Drones Help Alqaeda?" Retrieved from New York Times.
- Oswaldo de Rivero (2005), "The Myth of Development", translated by: Mahmoud Abdullahzadeh, Tehran: Akhtaran Publishing House. [In Persian]
- Pai, Lucin and others (2001), "Crisis and sequences in political development", translated by: Gholamreza Khaje Sarvi, Tehran: Strategic Studies. [In Persian]
- Pollack, Kenneth (2015), "U.S Policy toward a Turbulent Middle East", Washington: Brookings Institution press.
- Qavam, Abdul Ali (2011), "Challenges of political development", Tehran: Qoms Publishing. [In Persian]

- Report to Congress, October 2005, Measuring Stability and Security in Iraq,” Department of Defense. (www.defenselink.mil/news/Oct2005/d20051013iraq.pdf)
- Sa’i, Ahmed. Moradi, Jahanbakhsh (2011), "Problems of Federalism in Iraq", Journal of Political and International Research, Volume 3, Number 7, pp. 32-31. [In Persian]
- Sajjadi, Abdul Qayyum (2013), "Political Sociology of Afghanistan", Qom: Bostan Kitab Publications. [In Persian]
- Sardarnia, Khalilullah and Hosseini, Seyed Mehdi (2013), "Social challenges of modern state-building in Afghanistan", World Politics Quarterly, third volume, third issue, pp. 37-63 [In Persian]
- Saveh Droudi, Mostafa (2011), "Security Crisis Management", Tehran: Farabi College Publishing. [In Persian]
- Seyed Qutb (1997), "Features of Islamic Ideology", translated by: Seyed Mohammad Khamenei, Tehran: Ba'ath, Beta. [In Persian]
- Smith, Graham (1995), "Federalism; The Multiethnic Challenge", London: Longman, pp.203-205.
- Tilly, Charles (2006), "From Basih to the Revolution", translated by: Ali Morshidizadeh, Tehran: Imam Khomeini Research Institute (RA). [In Persian]
- Transparency. Org (2019), Corruption Perceptions Index report, Transparency International, [http:// www. Transparency. Org/en/cpi/2019/results](http://www.Transparency.Org/en/cpi/2019/results)
- Zareian Jeremy, Farajullah (2017), "The Fragile State and Its Roles in the Formation of the Syrian Crisis", Yasouj Faculty of Political Sciences, (dissertation) [In Persian]
- Zibakalam, Sadegh (2003), "An Approach to the Causes of the Second Khordad from a Sociological Perspective", Tehran: Shahr Dunya. [In Persian]